

خانه پدری

عشقم
پدرم بود



صحبت‌های ما با پژمان درستکار، خیلی اتفاقی به سمت خانه پدری او، حضور همیشگی کشتی‌گیران در طبقه دوم خانه آنها و عشق و علاقه عجیب پدرش به کشتی کشیده شد. پدری که البته چند سالی است از این دنیا رفته و سرمربی تیم ملی اولین چیزی که درباره او می‌گوید این است: عشقم پدرم بود...

از پژمان درستکار خواستیم تا نقطه اولیه اتصالش با کشتی را برایمان تعریف کند: «من واقعاً از زمانی که چشمم را باز کردم و خودم را شناختم (چهار - پنج سالگی) در کشتی بودم. خود پدرم کشتی‌گیر بود و در میهمانی و مراسمی که می‌رفتیم، ما و بچه‌های دیگر را جمع می‌کرد تا با هم کشتی بگیریم. شوهرخاله من هم احمد رضایی کشتی‌گیر و قهرمان آسیا بود و به نوعی خانواده ورزشی داشتیم. حقیقتش جواب دقیق‌تر سؤال شما این است که نمی‌دانم چه زمانی وارد کشتی شدم. کشتی در خون پدرم بود و شاید بشود گفت که من هنوز به این دنیا نیامده بودم که علاقه به کشتی در ژن من نهاده شده بود. من از بچگی با احسان برادرم، برای مسابقات جام تختی هم چوب‌خط می‌زدیم و از ماه‌ها قبل منتظر بودیم تا این رقابت‌ها سر برسند و برویم تماشای کشتی.»

درستکار در ادامه درباره خانه پدری و پذیرایی پدرش از چهره‌های زیادی از کشتی‌گیران نیز گفت: «پدرم واقعاً عاشق کشتی بود و نظیرش را در سی سال حضورم در کشتی ندیدم. کارمند ساده دخانیات بود اما آنقدر دلش بزرگ و مالش برکت داشت، هرچقدر می‌توانست از کشتی‌گیران پذیرایی می‌کرد و مواظب بچه‌هایی بود که به خانه ما می‌آمدند. آنقدر با عشق کشتی را تماشا و تعریف می‌کرد که من حس می‌کنم بسیاری از کشتی‌های چهل پنجاه سال پیش را دیده‌ام. پدر من حالش خراب بود اما وقتی کشتی آغاز می‌شد، به هر زحمتی بود خودش را پای تلویزیون می‌رساند.»

تا فرزندشان بتواند شرایط خوبی داشته باشد، از همه سهم بیشتری دارند. بعد از آنها هم مربیان سازنده این بچه‌ها که با گریه اینها گریه می‌کند و با خنده‌شان خوشحال می‌شوند.

وقتی به تیم ملی آمدید، حسن یزدانی را در شرایط روانی بسیار بد تحویل گرفتید. با او چه کردید تا با آن شرایط روحی و بدنی به نروژ برسد؟

من روز اولی که آمدم به اردو، یک ساعت و نیم با حسن یزدانی صحبت کردم. بماند که در آن جلسه دو ساعته چه گذشت اما من تیمی را تحویل گرفتم که از هر نظر خسته بود؛ هم روحی هم بدنی. ما باید این تیم را هم بازسازی می‌کردیم و هم در یک فشاری می‌گذاشتیم که کشتی‌گیران بتوانند در قهرمانی جهان کشتی بگیرند. پس در وهله اول سعی کردم با صمیمیت بیشتری رابطه مربی و شاگردی را شکل دهم. در کار از آنها یک چیز خواستم. گفتم ما قرار است با هم کار کنیم اما زمانی برای جلب اعتماد نداریم. به حسن گفتم به من اعتماد کن. بردت برای خودت و باختات برای من! مخصوصاً به او گفتم که کاپیتان تیم بود و هست و همه به او نگاه می‌کنند.

و تجربه‌ات از این چند ماه کار کردن نزدیک با حسن یزدانی؟

هیچکس الکی ۷ مدال طلا و نقره جهان و المپیک نمی‌گیرد. او بخوبی جایگاه خودش و رابطه مربی و شاگرد را می‌شناسد. تکلیفش با خودش مشخص است و یک الگوی واقعی است. البته این یک قابلیت ذاتی اوست و راهش را پیدا کرده و می‌داند که چه می‌کند.

جمع کردن تیم ملی کشتی در این سطح، با این ستاره‌ها و کشتی‌گیرانی که حالا همه‌شان اسم و رسم برای خودشان دارند، کار سختی نیست؟

سخت که هست واقعاً اما وقتی آدم یک کار دشوار را انجام می‌دهد، خیلی

کیلوگرم چهار نفری که به نروژ آمدند، نفرات اول انتخابی تیم ملی روسیه بودند. سعدالله‌اف و نایفونوف هم که در المپیک کشتی گرفته بودند. در سنگین وزن هم برای حضور در جهانی انتخابی گذاشتند که نماینده‌شان در نروژ، کشتی‌گیر المپیک‌شان را برد و به جهانی آمد. می‌ماند وزن ۵۷، ۶۵ و ۷۴ کیلوگرم. کشتی‌گیر ۶۵ کیلو آنها که قهرمان شد و در هر صورت بهترین نتیجه به روسیه رسید. در دو وزن دیگر هم انتخابی درون اردویی گذاشتند که سیداکوف و اوکویف نمایندگان تا این دو نفر با قهرمانی در انتخابی به جهانی برسند.

تیم آمریکا هم که دیگر همه دیدند با همه ستاره‌هایش آمده بودند. گرجستان هم همین طور با هر کشتی‌گیر خوبی که داشت به نروژ آمده بود.

درباره تیم خودمان اما برخی از کشتی‌گیران واری انتظار و عملکرد گذشته‌شان کشتی گرفتند!

در مورد امیرمحمد یزدانی به نظرم بی‌انصافی شد. در نروژ کشتی‌گیر آمریکایی که همه خوب‌های دنیا را برده بود حذف شد اما یزدانی با رسیدن به یک خودباوری خوب، به فینال رسید. محمد نخودی هم خیلی خوب و بدون اشتباه کشتی گرفت و خیلی فراتر از یک کشتی‌گیری که به تازگی در جوانان کشتی گرفته بود، حاضر شد.

به این ترتیب می‌رسیم به نقش خودت در عملکرد خوب تیم ملی. نقش خودت در این موفقیت را چقدر می‌دانی؟

با فونت درشت بنویسید که من پژمان درستکار، کمترین نقش را در این افتخار که برای کشتی به دست آمد، داشتم. اول از همه نقش اصلی را خانواده‌های این کشتی‌گیران دارند. عموم کشتی‌گیران از قشر متوسط به پایین هستند. مادر و پدر این قهرمانان که از خودشان می‌زنند

بنا یک عاشق تمام عیار و واقعی کشتی است. هر کسی برای سرمربی شدن در کشتی دنبال یک چیزی است

از نتیجه نگرستن و سوختن بلیت برای سرمربی شدن در تیم ملی نمی‌ترسیدی؟ مثل خیلی‌ها در کشتی و مثلاً مانند علی دابی و امیرقلعه‌نویی در فوتبال!

من به این اعتقاد دارم که ترس برادر مرگ است. باورتان می‌شود که اصلاً به این چیزها فکر نمی‌کردم؟ من با خودم کلنجار رفتم و با خودم چک و چانه زدم و تصمیم گرفتم که بیایم. نتیجه دست خداست و ما فقط موظفیم که تلاش خودمان را بکنیم.

خانه و زندگی در امریکا است و مشکل بزرگی در این زمینه داری. آیا قصد داری دوباره به طور کامل به ایران نقل مکان کنی؟

خانم مثل همیشه همراه من است و موافق برگشتن. برای فرزندم علی اما شرایط خیلی سخت است. پنج سال در آنجا تحصیل کرده اما در تلاشیم تا آسیب‌ها را کم کنیم و بتوانیم به طور کامل به ایران برگردیم. حالا اولویت اصلی من تیم ملی است و خانواده هم مثل همیشه لطف می‌کنند درک کنند و همراه من باشند.

چقدر فکر می‌کردی در نروژ آن نتیجه را بگیریم؟ مخصوصاً نتیجه کشتی‌گیرانی مانند نخودی، امیرمحمد یزدانی و...

من در حقیقت به کاری که کرده بودیم و شرایط بچه‌ها اعتماد کامل داشتم. با این حال هیچ وقت روی نتیجه تمرکز نمی‌کنم چون باعث می‌شود ترسو شوم. من می‌گویم ما باید در همه ابعاد همه تلاش مان را بکنیم و نتیجه دست آن بالاسری است. اینجا می‌خواهم یک بحثی را درباره آن رقابت‌ها بگویم که توسط خیلی‌ها مطرح شد.

درباره سطح رقابت‌های جهانی؟

دقیقاً می‌گویند تیم روسیه با ترکیب اصلی به رقابت‌های جهانی نیامده بود. روس‌ها زمانی که برای المپیک انتخابی برگزار می‌کردند، برای وزن‌های غیر المپیک هم رقابت انتخابی گذاشتند. در اوزان ۶۱، ۷۱، ۷۹ و ۹۲

سالنو

تصمیم مهم برای جهانی و بازی‌های آسیایی

درستکار در سال آینده دو رویداد بسیار مهم جهانی و بازی‌های آسیایی را در فاصله کمتر از ۱۰ روز در پیش دارد. از او درباره تصمیمش درباره استراتژی او در این چالش بزرگ پرسیدیم: «ما باید چرخه انتخابی تیم ملی را به پایان برسانیم. با این حال ماجرا دو وجه دارد. بازی‌های آسیایی برای دستگاه ورزش خیلی اهمیت دارد و رقابت‌های قهرمانی جهان هم برای ورزشکاران. این رقابت‌ها آنقدر برای کشتی‌گیران اهمیت دارد که برخی کشتی‌گیران قدیمی بعد از ۵۰ سال ناراحت هستند که چرا در یک دوره از رقابت‌های جهانی اعزام نشده‌اند. من واقعاً نمی‌توانم به یک کشتی‌گیر که مخصوصاً مدعی هم هست بگویم به جهانی صربستان نرو. فاصله این ۲ رقابت چیزی حدود ۱۰ روز است و ما اعتراض هم کردیم اما نتیجه نگرفتیم. به این ترتیب هر دوی این رقابت‌ها برای ما مهم است و باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که در هر دو رویداد نتیجه بگیریم. خیلی سال پر چالش و مهمی در پیش داریم و امیدوارم بتوانیم سربلند بیرون بیاییم.»

